

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد
گروه مدرسی معارف اسلامی
گرایش آشنایی با منابع اسلامی

عنوان:

چیستی امامت، خلافت، ولایت و امارت و رابطه آنها با
یکدیگر از منظر قرآن و نهج البلاغه

استاد راهنما:

جناب آقای محمدعلی مجد فقیهی

نگارش:

زهرا رضازاده

۱۳۹۵

کلیه حقوق این پایان نامه اعم از چاپ، تکثیر، نسخه برداری، ترجمه، اقتباس و...
برای دانشگاه معارف اسلامی محفوظ است، نقل مطالب با ذکر مأخذ بلا مانع است.

تقدیم به:

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) حامی امامت و ولایت.

آنکه پشت و پناه مولا(ع) بود

آن تویی مادر شَبَابِ بهشت

نام تو جاودانه فاطمه(س) جان

ز تو باید سرود گفت و نوشت...

و «فَدَک» هم بهانه شد بانو

قصدشان غَصَبِ قدرتِ مولا

تا علی(ع) را به خانه بنشانند

کودتای «سَقِیْفَه» شد اجرا

سپاس و قدردانی:

در ابتدا از خدای متعال سپاسگذارم که توفیق تلمذ در محضر قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) را به چون منی عطا نمود.

تقدیر و تشکر دارم از جناب آقای دکتر مجد فقیهی که نگارش این اثر با راهنمایی‌های سازنده‌ی ایشان میسر شد، صمیمانه سپاسگذارم.

و در پایان از زحمات خانواده خوبم و سایر کسانی که در تدوین این پایان نامه مرا یاری نمودند متشکرم و از خداوند منان سلامت و سعادت ایشان را خواستارم.

چکیده

امامت عهدی است الهی که به ظالمین نمی رسد، خداوند در قرآن کریم به ترسیم امامت پرداخته و با بیان دور بودن از رجس و پلیدی و داشتن عصمت اهل بیت را تنها مصداق آن معرفی نموده است. امامت مقامی دینی، معنوی و موهبتی الهی است که انتخاب آن به اذن الهی و نص صریح پیامبر(ص) صورت می گیرد. که رهبری، ولایت و هدایت همه انسانها در همه زمینه‌ها و زمانها را بر عهده دارند. امارت نیز به معنای ریاست ظاهری، زمامداری و رسیدگی به امور معیشتی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مردم است. این مقام یکی از وظایف امام و تنها یکی از شؤون امامت به شمار می آید. بیان خلافت به معنای حکومت، معنای اصطلاحی خلافت نیست بلکه در مقام اطلاق و استعمال به حاکم خلیفه گفته می شود. در حالی که جانشین پیامبر(ص) خلیفه اوست که منظور همان امام است. پس هر امامی هم مقام امامت و هم مقام خلافت را داراست که بر مردم ولایت دارد. امامت، خلافت و ولایت یک حقیقت می باشند که قابل انفکاک از صاحب خود نیستند و کسی نمی تواند این مقامها را از صاحبانشان غصب نماید در حالی که امارت یک حق بوده و قابلیت غصب و تصاحب دارد هرچند این واژگان را به جای یکدیگر استعمال کرده اند، این استعمال و اطلاق هیچ خللی به حقیقت بودن امامت، خلافت و ولایت وارد نمی سازد. وقتی یک چیزی حقیقت باشد، حقیقت است هر چند عده‌ای آن را انکار نمایند. در این پژوهش جهت رفع برخی شبهات و کاربرد متفاوت معنای امامت، خلافت و امارت بین علمای شیعه و اهل سنت؛ با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی به بررسی و بازشناسی و بیان تفاوت واژگان با یکدیگر پرداخته شده است.

کلیدواژه: امامت، خلافت، ولایت، امارت، روابط واژگان، خلیفه الله، خلیفه الرسول، قرآن، نهج البلاغه

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
۱. فصل اول: کلیات و مفهوم‌شناسی.....	۱
۱-۱. کلیات پژوهش.....	۲
۱-۱-۱. تبیین موضوع پژوهش.....	۲
۱-۱-۲. پیشینه موضوع پژوهش.....	۲
۱-۱-۳. جنبه نوآوری و جدید بودن.....	۳
۱-۱-۴. سوال اصلی.....	۳
۱-۱-۵. سوال‌های فرعی.....	۳
۱-۱-۶. فرضیه‌ها.....	۳
۱-۱-۷. اهداف تحقیق.....	۴
۱-۱-۸. روش کار.....	۴
۱-۲-۱. مفاهیم.....	۴
۱-۲-۱-۱. امامت.....	۴
۱-۲-۱-۲-۱. امامت در لغت.....	۴
۱-۲-۱-۲-۲-۱. امامت در اصطلاح.....	۵
۱-۲-۱-۲-۲-۱. خلافت.....	۷
۱-۲-۱-۲-۲-۱-۱. خلافت در لغت.....	۷
۱-۲-۱-۲-۲-۲-۱. خلافت در اصطلاح.....	۷
۱-۲-۱-۲-۲-۳-۱. صفات مستخلف عنه در خلیفه.....	۹
۱-۲-۱-۲-۲-۴-۱. گونه‌شناسی خلافت.....	۱۰
۱-۲-۳-۱. ولایت.....	۱۳
۱-۲-۳-۱-۱. ولایت در لغت.....	۱۳
۱-۲-۳-۱-۲. ولایت در اصطلاح.....	۱۵
۱-۲-۴-۱. امارت.....	۱۶
۱-۲-۴-۱-۱. امارت در لغت.....	۱۶
۱-۲-۴-۱-۲. امارت در اصطلاح.....	۱۶
۱-۲-۵. رابطه کلی امامت، خلافت، ولایت و امارت با یکدیگر.....	۱۶

ب

۲. فصل دوم: امامت در قرآن و نهج البلاغه..... ۱۸
- ۱-۲. امامت در قرآن..... ۱۹
- ۱-۱-۲. چيستی امامت..... ۱۹
- ۱-۱-۱-۲. امامت بعد از نبوت و مستقل از نبوت و رسالت..... ۲۰
- ۲-۱-۱-۲. جعل الهی امامت همسان نبوت و رسالت..... ۲۳
- ۳-۱-۱-۲. قوام امامت به هدايت خاص..... ۲۷
- ۲-۱-۲. گونه های امامت در قرآن..... ۲۸
- ۲-۲. امامت در نهج البلاغه..... ۳۰
- ۱-۲-۲. امامت عامه..... ۳۰
- ۱-۱-۲-۲. مفهوم امامت..... ۳۰
- ۲-۱-۲-۲. ضرورت وجود امام..... ۳۲
- ۱-۲-۱-۲-۲. ضرورت وجود امام در نظام تکوین..... ۳۲
- ۲-۲-۱-۲-۲. ضرورت وجود امام در نظام تشریح و هدايت..... ۳۴
- ۳-۱-۲-۲. گستره علم امام..... ۳۵
- ۴-۱-۲-۲. عصمت امام..... ۳۶
- ۲-۲-۲. امامت خاصه..... ۳۷
- ۱-۲-۲-۲. امامت و ویژگی های ممتاز؛ اساس گزینش الهی..... ۳۹
- ۲-۲-۲-۲. امامت، تبلور هدايت الهی..... ۴۱
۳. فصل سوم: خلافت در قرآن و نهج البلاغه..... ۴۴
- ۱-۳. خلافت در قرآن..... ۴۵
- ۱-۱-۳. مفهوم خلافت الهی..... ۴۶
- ۲-۱-۳. مصداق خلیفه..... ۴۶
- ۳-۱-۳. مستخلف عنه آدم..... ۴۶
- ۴-۱-۳. ملاک خلافت..... ۴۷
- ۵-۱-۳. ویژگی خلیفه الهی..... ۵۱
- ۱-۵-۱-۳. معلم فرشتگان..... ۵۱
- ۲-۵-۱-۳. مسجود فرشتگان..... ۵۲
- ۲-۱-۳. خلیفه الرسول..... ۵۳

- ۳-۱-۲-۱. ویژگی های خلیفه الرسول (امام)..... ۵۴
- ۳-۲. خلافت در نهج البلاغه..... ۵۵
- ۳-۲-۱. خلافت الهی حضرت..... ۵۶
- ۳-۲-۱-۱. خلیفه خدا در هر زمانی..... ۵۶
- ۳-۲-۲. خلافت از رسول (ص)..... ۵۷
۴. فصل چهارم: ولایت در قرآن و نهج البلاغه..... ۶۰
- ۴-۱. ولایت در قرآن..... ۶۱
- ۴-۱-۱. گونه های ولایت در قرآن..... ۶۲
- ۴-۱-۱-۱. ولایت تکوینی..... ۶۲
- ۴-۱-۱-۲. ولایت تشریحی..... ۶۴
- ۴-۱-۲. تقسیم ولایت به لحاظ صاحب ولایت (ولی)..... ۶۸
- ۴-۱-۲-۱. ولایت خدا..... ۶۸
- ۴-۱-۲-۲. ولایت پیامبر (ص)..... ۶۹
- ۴-۱-۲-۳. ولایت امام (ع)..... ۷۰
- ۴-۱-۲-۴. ولایت عمومی انسانها..... ۷۱
- ۴-۱-۲-۵. ولایت شیطانی..... ۷۱
- ۴-۱-۵-۲-۱. طاغوت، ولایت شیطان..... ۷۲
- ۴-۲. ولایت در نهج البلاغه..... ۷۲
- ۴-۲-۱. ولایت اصطلاحی (ولایت الهی)..... ۷۲
- ۴-۲-۲. ولایت اصطلاحی (ولایت ائمه (ع))..... ۷۳
- ۴-۲-۳. ولایت به معنای دوستی..... ۷۵
- ۴-۲-۴. ولایت به معنای امارت..... ۷۶
- ۴-۲-۵. ولایت شیطان..... ۷۶
۵. فصل پنجم: امارت در قرآن و نهج البلاغه..... ۷۸
- ۵-۱. امارت در قرآن..... ۷۹
- ۵-۱-۱. حکومت خدا..... ۸۰
- ۵-۱-۲. حکومت انبیاء..... ۸۱
- ۵-۱-۳. حکومت پیامبر (ص)..... ۸۲

۸۳	۴-۱-۵. حکومت ائمه (علیه السلام).....
۸۴	۵-۱-۵. حکومت طاغوت.....
۸۵	۲-۵. امارت (حکومت) در نهج البلاغه.....
۸۵	۱-۲-۵. مفهوم حکومت.....
۸۷	۲-۲-۵. خلافت به معنای امارت.....
۹۱	۳-۲-۵. ولایت به معنای امارت.....
۹۳	۴-۲-۵. ضرورت حکومت.....
۹۴	۵-۲-۵. جایگاه حکومت.....
۹۹	۶. فصل ششم: رابطه امامت، خلافت، ولایت و امارت با یکدیگر.....
۱۰۰	۱-۶. ولایت.....
۱۰۲	۲-۶. خلافت الهی.....
۱۰۳	۳-۶. امامت.....
۱۰۴	۴-۶. خلافت الرسول.....
۱۰۴	۵-۶. امارت.....
۱۰۶	۶-۶. عدم ملازمه بین امامت، خلافت، ولایت با امارت.....
۱۰۸	۱-۶-۶. غصب امارت نه ولایت.....
۱۰۹	۲-۶-۶. سکوت در قبال امارت نه ولایت، امامت و خلافت.....
۱۱۲	نتیجه گیری.....
۱۱۴	منابع.....
۱۲۲	نمایه.....

پیشگفتار

این رساله تلاشی است در جهت بیان «چیستی امامت، خلافت، ولایت و امارت و رابطه آنها با یکدیگر از منظر قرآن و نهج‌البلاغه»، از آن جا که امامت و پیشوایی در معنای گسترده خود یکی از ضرورت‌های زندگی اجتماعی بشر است. در قرآن کریم و بیان معصومین (ع) این واژگان تبیین و تفسیر شده است. امامت معنای خاصی نیز دارد و آن عبارت است از رهبری جامعه بشری به عنوان جانشینی پیامبر (ص) که شخص امام می‌تواند مصداق خلیفه الله نیز باشد و از شوؤن ولایت الهی نیز برخوردار گردد و همچنین با توجه به فراهم بودن شرایط و مقتضیات زمان امام تنها کسی است که نسبت به امارت داشتن بر مردم اولویت دارد.

با توجه به اهمیت موضوع در این پایان نامه سعی شده است که با توجه به آیات قرآن و تفاسیر و همچنین استفاده از شروح نهج‌البلاغه اطلاعاتی منسجم در باره شناخت «چیستی امامت، خلافت، ولایت و امارت و رابطه آنها با یکدیگر» بیان شود.

این پژوهش _ با روش توصیفی، تحلیلی و مقایسه‌ای با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و دیجیتالی؛ تلاش کرده است ضمن توصیف دیدگاه مفسران درباره موضوع به تحلیل و بررسی واژگان و دست یافتن به رابطه آنها بیانجامد. _ در قالب شش فصل تدوین شده است که در فصل یکم در ذیل مباحث طرح تفصیلی، به بررسی واژگان و بیان رابطه کلی آنها پرداخته است. و فصل دوم تا پنجم اختصاص دارد به بررسی چیستی امامت، خلافت، ولایت و امارت در قرآن و نهج‌البلاغه، و در فصل ششم به جمع‌بندی و بیان رابطه این واژگان پرداخته شده است.

پژوهش در حوزه مسائل گرانباری چون امامت، خلافت و ولایت که در طول تاریخ از حوزه‌های خطیر امتحان و ابتلای اهل ایمان بوده، حساسیتی خاص دارد. طبعاً این قلم را به شایستگی یارای توفیق در این عرصه نبوده و در این راه جز به لطف الهی و هدایت اولیای او نمی‌توان دل بست. از این رو، با اذعان به قصور و کوتاه دستی خود در این عرصه بلند، نقدهای عالمانه استادان ارجمند مایه امتنان بوده و پیشاپیش سپاسگزارشان هستم.

۱. فصل اول:

کلیات و مفهوم‌شناسی

۱-۱. کلیات پژوهش

۱-۱-۱. تبیین موضوع پژوهش

امامت، خلافت، ولایت و امارت از جمله مباحث اصلی و آموزه‌های اساسی دین مبین اسلام است. امامت، مقامی دینی و معنوی و موهبتی الهی است که به برخی انسانهای خاص و کامل و معصوم، اختصاص دارد. وظیفه و نقش آنها، رهبری، ولایت، تربیت و هدایت همه انسانها در همه زمینه‌ها و زمانها است. همچنین انتخاب آنان به اذن الهی و نص صریح پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) منحصر می‌شود. خلافت و حکومت نیز به معنای ریاست ظاهری، امارت، زمامداری و رسیدگی به امور معیشتی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مردم است. این مقام یکی از وظایف امام و تنها یکی از شؤون امامت به شمار می‌آید. پس هر امامی هم مقام امامت و هم مقام خلافت را داراست که بر مردم ولایت دارد. حال باید دید که با توجه به تفاوت معنای امامت و خلافت بین علمای شیعه و اهل سنت؛ امامت، خلافت و ولایت با امارت در مفهوم و مصداق یکی هستند یا اینکه در مفهوم می‌توانند یکی باشند ولی در مصداق جداگانه لحاظ شوند. با توجه به اینکه امامت یک حقیقت بوده و قابلیت غصب ندارد ولی امارت از مقوله حق است پس قابل تصاحب می‌باشد از این رو بعد از رحلت پیامبر گرامی اسلام بنا بر آنچه در جامعه اسلامی در راستای حکومت بر مسلمین جریان یافت و باعث شکل‌گیری جریانهای گوناگون رهبری در جامعه اسلامی گردید این واژه‌ها نیاز به بازشناسی و بیان تفاوت آن با یکدیگر را دارند. سوالی که مطرح می‌شود این است که مفاهیم دقیق این واژگان چیست و چه رابطه‌ای با یکدیگر دارند.

علاوه بر آیاتی که محوریت این مفاهیم را بیان می‌کنند در روایات متعددی نیز به این مقولات اشاره شده و از آن جمله سخنان حضرت علی (ع) است که بخشی از آن در نهج‌البلاغه گردآوری شده است. بنابراین رسالت این پژوهش بررسی چیستی این واژگان در قرآن و نهج‌البلاغه و کیفیت نسبت آنها با یکدیگر خواهد بود.

۱-۱-۲. پیشینه موضوع پژوهش

از میان آثاری که به بررسی مفاهیم امامت، ولایت، خلافت و امارت پرداخته‌اند می‌توان به تفاسیر قرآن در ذیل آیات مربوط به این مفاهیم و شروح نهج‌البلاغه در ذیل شرح خطبه‌های مربوط به این واژگان اشاره نمود.

و همچنین از آثاری که به طور مستقل، این واژگان را بررسی نموده‌اند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. امامت در قرآن تفسیر موضوعی قرآن کریم نوشته محسن اراکی.

۲. خلیفه و خلافت نوشته محمد کریمی زنجانی .

۳. رهبری، خلافت یا امامت نوشته مرتضی عسگری.

۴. آیات ولایت و خلافت نوشته جعفر سبحانی تبریزی.

۵. ولایت در قرآن نوشته ایت الله عبدالله جوادی آملی.

۶. امامت در بینش اسلامی نوشته علی ربانی گلپایگانی.

از آثار پژوهشی که در قالب پایان نامه مرتبط با موضوع "چیستی امامت، خلافت، ولایت و امارت و رابطه آنها با یکدیگر از منظر قرآن و نهج البلاغه" ارائه شده است غالباً به صورت تک واژه ای یا ترکیبی از دو واژه مذکور از منظر قرآن یا نهج البلاغه و یا از دیدگاه قرآن و سنت است که به عنوان نمونه می‌توان به پایان نامه "امامت و خلافت از منظر نهج البلاغه با تاکید بر نقد شبهات" نوشته معصومه دولت آبادی، پایان نامه دکترای تخصصی و "تطبیقی مفهوم امامت، ولایت و خلافت در متون کلامی شیعه و اهل تسنن از قرن ۳ تا ۴" نوشته حسین ادیب زاده، پایان نامه کارشناسی ارشد، اشاره نمود. البته این نکته شایان ذکر هست که در رابطه با واژه "امارت" پژوهشی انجام نشده است.

۱-۱-۳. جنبه نوآوری و جدید بودن

اگر چه موضوع امامت از موضوعاتی است که بسیار درباره آن نگاشته شده است و مورد تحقیق و بررسی گردیده است اما تبیین آن در فضای واژگان قریب المعنا با آن و خصوصاً امامت با امارت کاری نو بوده و در عرصه پاسخگویی به بسیاری از شبهات مخالفین کاربرد دارد.

۱-۱-۴. سوال اصلی

۱. منظور از امامت، خلافت، ولایت و امارت در قرآن و نهج البلاغه چیست و چه رابطه‌ای با هم دارند؟

۱-۱-۵. سوالهای فرعی

۱. معنای لغوی و اصطلاحی امامت، خلافت، ولایت و امارت چیست؟

۲. دیدگاه قرآن و نهج البلاغه در رابطه با امامت چیست؟

۳. دیدگاه قرآن و نهج البلاغه در رابطه با خلافت چیست؟

۴. دیدگاه قرآن و نهج البلاغه در رابطه با ولایت چیست؟

۵. دیدگاه قرآن و نهج البلاغه در رابطه با امارت چیست؟

۶. رابطه امامت، خلافت، ولایت و امارت از منظر قرآن و نهج البلاغه چیست؟

۱-۱-۶. فرضیه ها

۱. بر اساس آموزه های دین امامت امر الهی است که تعیین آن بر عهده خدا می باشد .

۲. خلافت، جانشینی پیامبر و تصدی امر امامت امت باز هم یک مسئله الهی است.

۳. ولایت یکی از شئون والای امام است که امام آن را از جانب خدا دار است و بر همه مکلفین ولایت مطلق دارد.

۴. امارت و فرمان روایی بر جامعه مسلمین از آن امام است که بر همه مکلفین ولایت مطلق دارد.

۵. یکی از مسائلی که موجب انحراف حاکمیت جامعه اسلامی بعد از رحلت پیامبر شد اختلاف نظر اهل سنت با شیعه در بحث خلافت امامان و ولایت آنها بر مسلمین است.

۶. امارت یک حق است ولکن امامت، خلافت، ولایت از مقوله حقیقت هستند.

۱-۱-۷. اهداف تحقیق

۱. تبیین دیدگاه قرآن و نهج البلاغه در خصوص موضوع مورد تحقیق و روشن شدن زوایای پنهان آن.

۲. تلاش برای پاسخ گویی به شبهات مطرح شده پیرامون مساله .

۱-۱-۸. روش کار

الف) نوع روش تحقیق: روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی و مقایسه‌ای است که تلاش شده ضمن توصیف دیدگاه مفسران درباره موضوع به تحلیل و بررسی واژگان و دست یافتن به رابطه آنها بیانجامد.

ب) روش گرد آوری اطلاعات: اساس کار در این تحقیق پیروی از روش کتابخانه‌ای که با مراجعه به کتب و مقالات مورد نیاز صورت خواهد گرفت.

پ) ابزار گردآوری اطلاعات: فیش، بانک های اطلاعاتی و نرم افزارها

ت) روش تجزیه و تحلیل اطلاعات: کتابخانه‌ای، با بررسی مفهومی واژگان و ارئه دیدگاه‌های قرآن و نهج البلاغه و مقایسه یافته‌ها، به گشفتن رابطه بین واژگان پرداخته می شود.

۲-۲. مفاهیم

۱-۲-۱. امامت

۱-۲-۱-۱. امامت در لغت

واژه امام از ریشه «امم» مهموز الفاء و مضاعف است و در لغت، به معانی زیر آمده است:

امام به معنای پیشوا، پیشرو و رهبری است. مقتدا، قیم، مصلح، الگو، راه اصلی و راهنماست.^۱ کسی یا چیزی که مورد پیروی واقع می گردد، انسان باشد یا کتاب یا چیزی دیگر، به حق باشد یا بر باطل^۲

۱. خلیل ابن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۸ ص ۴۲۸؛ علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۱ ص ۱۲۱؛ لابی الحسین

احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقانیس اللغة، ج ۱ ص ۲۸؛ محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲ ص ۲۵.

۲. علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، پیشین، ج ۱ ص ۱۲۱.

امام است، ریشه این واژه «ا - م - م» و به معنای قصد^۱ یا قصد با توجه خاص و این معنا در همه مشتقات آن محفوظ است. امام نیز کسی است که همواره مقصود و هدف حرکت و تلاش دیگران قرار گیرد، گرچه با اختلاف موارد و قصدکنندگان و جهات و اعتبارات، گوناگون می‌شود؛ مانند: امام جمعه و جماعت، امام هدایت و امام ضلالت^۲، بر این اساس دیگر معانی این واژه و مشتقات آن از لوازم معنای ریشه است.

۱-۲-۱. امامت در اصطلاح

آنچه از تعریف صاحب مجمع‌البیان در بیان معنای اصطلاحی امامت بر می‌آید عبارت است از: آنچه که از لفظ امام به دست می‌آید دو چیز است: یکی این که او مقتدا و امام مردم در افعال و رفتار است. دیگر این که او کسی است که متولّی تدبیر امت و سیاست آنان بوده و قیام به امور آنها خواهد کرد. جانیان را تأدیب کرده و والیان را نصب خواهد نمود. کسی که مستحقّ حدّ الهی است بر او اجرا کرده و با کسی که در صدد دشمنی و کید با اسلام است مقابله خواهد کرد.^۳

بنابراین، امامت به معنای ریاست عمومی فردی خاص بر امور دین و دنیای مردم در دنیا بالاصاله یا به جانشینی از پیامبر است، زیرا امامت دارای شئونی همچون رهبری سیاسی و زعامت اجتماعی و مرجعیت دینی و تبیین و تفسیر وحی و ولایت باطنی و معنوی است که از این جهت امام حجت خدا در زمان، ولی الله، انسان کامل حامل معنویت کلی انسانیت و قطب است^۴ و چون امامت دارای شئون والایی است، شیعه آن را همانند نبوت به نصّ و امر الهی و از اصول دین (مذهب) می‌داند، در حالی که در دیدگاه اهل سنت از فروع دین شمرده شده و از این جهت از افعال مکلفان به شمار می‌آید.^۵

تعریفی که علامه طباطبایی (رحمه الله) از امامت ارائه داده عبارت است از: امامت آن است که انسان به گونه‌ای باشد که دیگران به او اقتدا کرده و کردار و گفتار خود را به نحو تبعیت، تطبیق دهد. مطابق این تعریف امامت حقیقتی وراء مثل مقام اطاعت یا ریاست دین و دنیا یا وصایت یا خلافت و جانشینی در روی زمین به معنای حکومت بین مردم است.^۶

۱. فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۶ ص ۱۰؛ نشوان بن سعید الحمیری الیمنی، شمس العلوم و دواء کلام

العرب من الکلم، ج ۱ ص ۱۳۸؛ محمد مرتضی الحسینی الزبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۶ ص ۲۶.

۲. حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۱۳۷؛ فخر الدین طریحی، همان، ج ۶، ص ۱۰.

۳. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱ ص ۳۸۰.

۴. محمد حسین طباطبایی، شیعه در اسلام، ص ۱۵۰-۱۶۲.

۵. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۴ ص ۸۴۲-۸۵۴.

۶. محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱ ص ۲۷۱.

دیدگاه علامه در بیان معنای امامت را می توان در تفسیر تسنیم یافت که در آن دیدگاه علامه را با عبارات کوتاه به طور کامل منعکس کرده است:

برجسته ترین معنایی که بر امامت قابل تطبیق است هدایت باطنی و ملکوتی و هدایت به معنای ایصال به مطلوب است؛ زیرا قرآن کریم یکی از ویژگیهای ائمه را هدایت به امرالله بیان می کند؛ «امر الله» که امام مردم را با آن هدایت می کند چهره ثابت و ملکوتی جهان طبیعت است. امام براساس پیوند با مقام «کن فیکون» و ارواح انسانها و به عنوان مظهر مقلّب القلوب، هر چیز را بر اساس ملکوت آن و با تصرف در قلب آن هدایت می کند. برای این هدایت، هادی باید خود مهتدی بالذات باشد. این هدایت، فیضی درونی است که از ناحیه خدای سبحان به قلوب نورانی ائمه (علیهم السلام) و از آنجا به دلهای مؤمنان می رسد. امامت به این معنا مقامی ملکوتی و فراتر از شئون ظاهری و دنیایی است و راه نیل به آن بهره مندی از وحی تسدید، ارتقا به درجات برین بندگی، صبر و بردباری و یقین و مشاهده اسرار عالم است.^۱

در میان مفسران شیعی، تفسیر نمونه نیز تعریفی نزدیک به این مضمون بیان کرده است:

امامت عبارت است از تحقق بخشیدن برنامه های دینی اعم از حکومت به معنی وسیع کلمه، و اجرای حدود و احکام خدا و اجرای عدالت اجتماعی و همچنین تربیت و پرورش نفوس در "ظاهر" و "باطن" و این مقام از مقام رسالت و نبوت بالاتر است، زیرا "نبوت" و "رسالت" تنها اخبار از سوی خدا و ابلاغ فرمان او و بشارت و انداز است اما در مورد "امامت" همه اینها وجود دارد به اضافه "اجرای احکام" و "تربیت نفوس از نظر ظاهر و باطن" (البته روشن است که بسیاری از پیامبران دارای مقام امامت نیز بوده اند). در حقیقت مقام امامت، مقام تحقق بخشیدن به اهداف مذهب و هدایت به معنی "ایصال به مطلوب" است، نه فقط "ارائه طریق".^۲

شیعیان، امامت را تنها یک منصب دنیوی، یعنی زمامداری نمی دانند، بلکه یک مقام شامخ باطنی و نفسانی و الهی می دانند. آنان، امام را یک انسان کامل می دانند که واجد همه کمالات انسانی است. مهم ترین ویژگی امام که او را از سایر انسانها ممتاز می سازد، دو چیز است: یکی عصمت و دیگری علم. چنین انسان ممتازی، از جانب خدای متعال به امامت برگزیده شده و رهبری امور دینی و اجرای احکام و قوانین اجتماعی و اداره جامعه اسلامی بر عهده اش نهاده شده است. چنین انسانی، خلیفه

۱. عبدالله جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۶، ص ۴۱۴-۴۱۵.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۳۸.

واقعی رسول الله است و مردم، وظیفه دارند از او پیروی کنند و زمینه حکومتش را فراهم سازند تا جامعه اسلامی را در صراط مستقیم دین هدایت کند و سعادت دنیوی و اخروی آنان را فراهم آورد. اگر مردم، امام معصوم را به خلافت رسول الله انتخاب نکردند، به امامت او لطمه‌ای وارد نخواهد شد، و اگر غیر معصوم را به خلافت برگزیدند، امام و خلیفه واقعی رسول الله نخواهد بود.^۱

بنابراین، در تعریف امامت باید چنین گفت: امامت یعنی پیشوایی و زمام داری در همه امور دینی و دنیوی.

۱-۲-۲. خلافت

۱-۲-۲-۱. خلافت در لغت

گاهی به امام، «خلیفه» گفته می‌شود. خلافت، در لغت، [به کسر خاء] واژه‌ای عربی از ریشه خ ل ف، و به معنی جایگزینی به جای فرد قبل از خود به دلیل غیبت یا ناتوانی یا مرگ او و یا برتری نایب گمارده می‌شود.^۲ واژه خلیفه (جمع آن خلفاء و خلائف) به معنای جانشین، وکیل و قائم‌مقام است.^۳

ابن فارس می‌نویسد: «الخلف ما جاء بعد و یقولون: هو خلف صدق من ابیه و خلف سوء من ابیه فاذا لم یذکروا صدقا و لا سوءاً قالوا للجدِّ خَلْفٌ و للردی خلف انما سُمی خلافة لان الثانی یجىء بعد الاول قائما مقامه»؛^۴ خلف یعنی کسی که در آینده می‌آید. می‌گویند: او جانشین راستین پدرش است یا بازمانده پست خانواده است. هرگاه بدی و خوبی هایشان را نگویند به خَلْف و خلف تعبیر می‌کنند اما به این دلیل خلافت نامیده‌اند که دومی پس از اولی می‌آید و بر جای او می‌نشیند.

راغب نیز در مفردات می‌نویسد: «الخلافة النيابة عن الغير اما لغيبه المنوب عنه و اما لعجزه و اما لتشريف المستخلف»؛^۵ خلافت، جانشینی از دیگری است به این که یا شخص اول غایب است یا ناتوان شده است یا از جانب کسی به جایگاه نیابت شرف حضور می‌یابد و معرفی می‌شود.

پس با توجه به معنی لغوی خلافت این مفهوم حاصل شد که خلافت به معنای جانشینی برای شخص اول است چنان که در اصطلاح نیز چنین معنایی دارد.

۱-۲-۲-۱. خلافت در اصطلاح

این واژه از واژگان قرآنی است چه «خلافت الله» و چه «خلافت از رسول(ص)»، در حالی که اهل

۱. ابراهیم امینی، *الگوهای فضیلت (امامت و امامان)*، ص ۲۳.

۲. خلیل ابن احمد فراهیدی، همان، ج ۴ ص ۲۶۵؛ علی اکبر قرشی، *قاموس قرآن*، پیشین، ج ۲ ص ۲۸۶.

۳. محمد بن مکرم ابن منظور، همان، ج ۹ ص ۸۲.

۴. لابی الحسین احمد بن فارس بن زکریا، همان، ج ۲ ص ۲۱۰؛ حسن مصطفوی، همان، ج ۳ ص ۱۰۷.

۵. حسین بن محمد راغب اصفهانی، *مفردات ألفاظ القرآن*، ص ۲۹۴.

سنت این واژه را از مفهوم قرآنی آن عاری کرده است. هم در مفهوم و هم در مصداق آن به خطا رفته اند. ولی شیعه به پیروی از قرآن این مفهوم را قرآنی معنا کرده و در مصداق آن براساس قرآن و معنای لغوی، آن کسی را که در صفات مانند مستخلف است مصداق خلیفه می دانند.

علامه طباطبایی در تعریف خلافت می نویسد: «واژه خلیفه در قرآن کریم به معنای جانشین خداوند بر روی زمین آمده است و این خلافت تمام نمی شود، جز اینکه خلیفه در همه شئون وجودی و آثار و احکام و تدابیر، حاکی از مستخلف باشد»^۱.

اکثر دانشمندان اهل سنت خلافت و امامت را مرادف هم شمرده اند و گفته اند خلافت و امامت یک معنا دارند؛ به این معنا که در هر جا یکی از آنها صادق باشد، دیگری نیز صادق خواهد بود؛ به عنوان نمونه، ابن خلدون می گوید: «خلافت؛ یعنی نیابت از صاحب شریعت در حفظ دین و سیاست دنیا و به همین اعتبار، خلافت و امامت گفته می شود و متصدی آن مقام را خلیفه و امام می گویند»^۲.

ایشان جانشینی پیامبر(ص) را یک مقام و موهبت اجتماعی می دانند، نه یک منصب الهی، که از طرف مردم به خلیفه اعطا می گردد و شخص خلیفه از طریق انتخاب به این مقام نایل می گردد.

همچنین تفتازانی می گوید: «امامت ریاست عمومی در امر دین و دنیا به نیابت و جانشینی از پیامبر می باشد»^۳.

اهل سنت معتقدند، پیامبر(ص)، برای خود جانشینی انتخاب نکرده است و این امر مهم را به امت خود، واگذار نموده است.^۴ لکن این نظریه، با شأن و شخصیت آن حضرت ناسازگار می باشد که ایشان به این موضوع مهم، بی اهمیت باشند! در حالی که همه پیامبران، جانشینان خود را انتخاب می کردند.^۵ آیا پیامبر اکرم که اشرف انبیاء است از این دسته پیامبران خارج است؟! این مطلب لازم می آید که آن حضرت مأموریت خود را به خوبی انجام نداده باشد در حالی که می دانیم پیامبر اسلام(ص) در انجام مأموریت کوچکترین کوتاهی ننموده^۶ و عصمت در این مرحله مورد قبول متکلمین شیعه و سنی است.^۷

۱. محمد حسین طباطبایی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، پیشین، ج ۱ ص ۱۱۵ و ج ۱۷ ص ۱۹۴ - ۱۹۵.

۲. عبدالرحمن بن خلدون، *مقدمه ابن خلدون*، ترجمه محمد پروین گنابادی، ج ۱، ۳۶۵.

۳. سعد الدین تفتازانی، *شرح المقاصد*، ج ۵ ص ۲۲۲.

۴. بدرالدین العینی، *عمدة القاری فی شرح البخاری*، ج ۱۴ ص ۳۱.

۵. محمد بن جریر طبری، *تاریخ طبری*، ج ۱ ص ۱۰۷ و ۱۱۱؛ اسماعیل بن کثیر، *تاریخ ابن کثیر*، ج ۱ ص ۱۰۹ - ۱۱۱؛

احمد ابن ابی یعقوب، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی ج ۱، ص ۶ - ۷.

۶. جن (۷۲)، ۲۶ - ۲۸.

۷. علی ربانی گلبایگانی، *محاضرات فی الالهیات لسماحه العلامة المحقق جعفر السبحانی*، ص ۳۷۰.

در مقابل علمای شیعه در این موضوع معتقدند که پیامبر اسلام (ص) در زمان حیات خود حضرت علی (ع) را از طرف خدا نصب و تعیین کرده است.^۱ علاوه بر این که سیره و زندگی پیامبر اکرم (ص) این بود که نه تنها قبل از رحلت خود بلکه در سراسر حیات خویش و در فرصت‌های مختلف از خلیفه و جانشین پس از خود، سخن به میان آورده، در این مورد روایات و شواهدی از شیعه و سنی در کتاب معتبره‌ی آن‌ها به چشم می‌خورد. احادیثی مانند: حدیث انذار^۲، حدیث غدیر^۳، حدیث منزلت^۴، حدیث جابر^۵، و احادیث دیگر که ثابت می‌کند حضرت رسول اکرم (ص) نه تنها به فکر جانشین پس از خود بودند، بلکه خلیفه خود را در فرصت‌های مختلف اعلام و معرفی نمودند.

۱-۲-۲-۳. صفات مستخلف عنه در خلیفه

با توجه به معنای خلافت، جانشینی برخی انسان‌ها از خداوند در برخی اوصاف فعلی است که به بیان دقیق‌تر می‌توان از آن به «نماینده‌ی انسان کامل از خداوند» تعبیر کرد. برای خلافت به معنای جانشینی، یا نمایندگی از خداوند، درجات و مراتب مختلفی تصور می‌شود که طبعاً معنای کامل آن جز درباره انسانهای کامل و برگزیده خدا که در همه مراتب شایسته وجودی به کمال رسیده و ولی الله هستند، قابل اطلاق نیست. خلیفه خدا به این معنا در همه اوصاف و افعالش نماینده اوست و صفات فعل او را می‌نمایاند و شوون و اختیارها و تصرف‌های ولایی او را در زمین به عهده دارد. نکته قابل توجه در خلافت انسان از خداوند این است که معنای عرفی و لغوی خلافت و استخلاف به نحو حقیقی که معمولاً از واژه «جانشینی» به ذهن می‌رسد، در اینجا قابل اذعان نیست؛ چون مفهوم عرفی خلافت با غیبت مستخلف عنه و جانشین شدن خلیفه همراه است که در نسبت انسان با خدا صادق نیست.^۶

چرا که خدا همواره و همه جا حاضر و ناظر است و در زمین و آسمان خدایی می‌کند: «وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ...»؛ او کسی است که در آسمان معبود است و در زمین

۱. جعفر سبحانی، *فروع ابدیت*، ج ۱ ص ۹۳۷؛ محسن خرازی، *بداية المعارف الالهية في عقايد الامامية*، مترجم: مرتضی متقی نژاد، ج ۲ ص ۱۲.

۲. حاکم حسکانی، *شواهد التنزیل*، ج ۱، ص ۵۴۲؛ جعفر سبحانی، همان، ج ۱، ص ۲۴۷.

۳. ابن حیون نعمان بن محمد مغربی، *شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام*، ج ۱ ص ۹۹.

۴. عبدالعزیز بن جلوی، *الکتب الستة (صحیح مسلم، مسلم نیشابوری)*، ص ۱۱۰۱.

۵. لطف الله صافی گلپایگانی، *منتخب الاثر*، ص ۱۰۱.

۶. محمد اسعدی، *ولایت و امامت پژوهشی از منظر قرآن*، ص ۱۴۹.